



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: شأن نزول
موضوع جزئی: مسائل مربوط به شأن نزول
تاریخ: ۱۴ دیماه ۸۹
مصادف با: ۲۹ محرم الحرام ۱۴۳۲
جلسه: ۱۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث از اهمیت علم اسباب النزول بود و تأییراتی که این علم در تفسیر دارد و منابعی که در این رابطه وجود دارد گذشت. اما در مورد راهها و طرق تشخیص اسباب النزول و تمییز صحیح از سقیم، به دو یا سه روش میتوانیم این کار را انجام دهیم، ما عرض کردیم تنها روش برای شناخت اسباب نزول، روایات و نقل حوادث و مناسبتهایی است که منجر به نزول آیات قرآن شده، به دلائلی که در جلسه گذشته به آنها اشاره شد نقل اینگونه حوادث و مناسبتها، مشکلاتی را به دنبال داشت که یا از اساس نقل نشده و یا آنچه که نقل شده کامل به ما نرسیده و یا دواعی دیگری بر جعل بعضی روایات نسبت به بعضی از شأن نزولها برای آیات وجود داشته، در هر حال ما با این مشکلات در نقل شأن نزولها مواجه هستیم و روایاتی که در اسباب نزول وارد شده چه از طرق خاصه و چه از طرق عامه وارد شده باشند این مشكله را دارند، البته روایاتی که از طرق خاصه وارد شده علاوه بر اینکه در مقایسه با روایاتی که از طرق عامه وارد شده از کثرت عددی بیشتری برخوردارند از نظر اعتبار هم، در مرتبه بهتری قرار دارد اما مع ذلک این روایات هم از مشکلات ذکر شده عاری نبوده اند.

طرق قابل اطمینان برای شناخت اسباب نزول:

چند راه وجود دارد که در موقع مواجه شدن با روایات شأن نزول، باید به آنها توجه داشته باشیم تا به طریق مطمئنتری بتوانیم به اسباب نزول و شأن نزول آیات پی ببریم.

الف) باید در سند روایات اسباب نزول، دقت بیشتری بکنیم مخصوصاً در مورد کسی که روایت به او منتهی میشود یعنی ناقل اولیه که روایت را نقل کرده است.

در بین ناقلین اسباب نزول چند نفری هستند که قول آنها نسبت به بقیه مطمئنتر است از جمله: عبدالله بن مسعود و ابن عباس از صحابه و سعید بن جبیر از تابعین، که اینها در رابطه با قرآن کارهایی انجام دادهاند و نقل روایات از اینها تا حدودی یک اطمینانی برای ما ایجاد میکند.

ب) توجه به کثرت نقل یک حادثه و مناسبت که موجب نزول آیاتی از قرآن شده، اگر یک مناسبتی باعث نزول آیه یا سوره‌های شده باشد طبیعتاً کثرت نقل این مناسبت تا حدی برای انسان نسبت به وقوع آن حادثه و مناسبت، اطمینان‌آور است و روایاتی که کثرت نقل دارند در مقایسه با روایاتی که این کثرت را دارا نیستند از اطمینان بیشتری برخوردارند.

ج) دقت در قرائن و شواهدی که با حوادث تاریخی تناسب دارد، مثلاً با مقایسه چند حادثه و کنار هم قرار دادن آنها میشود فهمید که آیا آن حادثه واقع شده یا نه؟ پس توجه به تناسب اجزاء و اموری که مربوط به آن مناسبت و حادثه هست به شناخت شأن نزول و اسباب نزول کمک میکند، ممکن است یک روایتی باشد که از نظر سند معتبر نباشد اما مجموع قرائنی که باعث اطمینان به صدور روایت شود و بفهماند که این مناسبت اتفاق افتاده، کفایت میکند برای اعتماد به این روایت، چون در نقل حوادث تاریخی آن دقتی که در بقیه امور مثل احکام، هست وجود ندارد، پس یکی از راههای کشف حقیقت در حوادث تاریخی دقت در تناسبها است.

عدم لزوم حضور ناقل در حادثه:

آیا حضور ناقل روایت در خود حادثه لازم است یا نه؟

به نظر میرسد ضرورتی به حضور ناقل در مناسبت و حادثه واقع شده نباشد بلکه آنچه مهم است وثاقت ناقل و راوی است که انسان از روایتی که او نقل میکند اطمینان پیدا کند، مثلاً اگر دو نفر روایتی را نقل کردند که یکی ثقّه باشد ولی در هنگام وقوع حادثه حاضر نبوده و دیگری ثقّه نباشد ولی در وقوع حادثه حاضر بوده به سخن آن ناقلی میشود اعتماد کرد که ثقّه بوده گرچه در موقع وقوع حادثه حاضر نبوده، پس حضور ناقل در مناسبت و حادثه لازم نیست.

سوره‌های مکی و مدنی:

بحث دیگری که به مسئله اسباب النزول به طور خاص و به بحث نزول قرآن به طور عام مربوط میشود و از مباحثی است که در تفسیر دخالت دارد بحث سوره‌های مکی و مدنی است. مثلاً آیاتی داریم که در مکه نازل شده ولی سبب نزولی که برای آن نقل شده در مدینه واقع شده، مثل آنچه در جلسه گذشته عرض کردیم که پیامبر بعد از جنگ احد وقتی بالای نعلش عمویش حمزه رسید فرمود: هفتاد نفر را به جای تو مثله خواهم کرد ولی آیه ای که این روایت را به عنوان شأن نزول آن ذکر کرده‌اند در مکه نازل شده، طبیعتاً این روایت نمیتواند شأن نزول برای آن آیه باشد پس بحث مکی و مدنی بودن سوره‌های قرآن بحثی است که ما را در شناخت اسباب نزول کمک میکند.

تأثیر شناخت سوره‌های مکی و مدنی در تفسیر:

تأثیر شناخت سوره‌های مکی و مدنی در فهم و تفسیر آیات قرآن به انحاء مختلف است و بحث یک مورد خاص نیست، محورهای مختلفی را میتوان ذکر کرد که مکی و مدنی بودن در این محورها تأثیر جدی دارد.

مثلاً در یک مواردی آیه ظهور در یک معنایی دارد ولی مکی و مدنی بودن آن آیه، امر آیه را دایر میکند بین حمل بر ظاهر آیه و یا حمل بر خلاف ظاهر یعنی مثلاً اگر یک آیه‌ای را مکی بدانیم باید ظاهر آیه را حفظ کنیم و اگر آیه را

مدنی بدانیم باید دست از ظاهر برداریم و آیه را تأویل کنیم و این بویژه در مورد آیات الاحکام بیشتر است، چه بسا ما عموماً را از آیات اخذ میکنیم و به این عموماً لفظی رجوع میکنیم پس مکی بودن و مدنی بودن آیه تأثیر مستقیم در فهم آیه دارد.

به عنوان نمونه به یک بحثی اشاره میکنیم که در کتابها هم ذکر شده و آن تکلیف کفار به فروع است که بحث میکنند که آیا کفار مکلف به فروع هستند یا نه؟ یعنی همانگونه که مکلف به اصول هستند آیا مکلف به فروع هم هستند یا نه؟ اگر به این فروع عمل نکنند و یا از آنچه نهی شدهاند مرتکب شوند آیا بخاطر آنها در قیامت مؤاخذه خواهند شد یا نه؟ اکثراً قائلند که کفار مکلف به فروع نیستند و به ادلهای هم استدلال میکنند، در مقابل، عدهای هم میگویند کفار مکلف به فروع هستند و ادلهای هم ارائه دادهاند که یکی از آن ادله آیه زیر است:

«الذین لا یؤتون الزکات و هم بالآخره هم کافرون»^۱ که در این آیه مشرکان به دلیل زکات ندادن مورد ملامت قرار گرفتند پس نتیجه میگیرند: کفار مکلف به فروع هم هستند چون به دلیل زکات ندادن مورد ملامت قرار گرفته اند، مسئله این است که اگر ما سوره فصلت را مکی بدانیم زکات هنوز در مکه تشریح نشده بود پس چطور میشود که زکات که هنوز تشریح نشده به عنوان یک تکلیف برای کفار قلمداد شود، با توجه به ظاهر آیه کفار مکلف به فروع هستند ولی وقتی به مکان نزول آیه نظر میکنیم میبینیم که این ظاهراً با مکانی که آیه در آن نازل شده سازگار نیست، اینجاست که مکی بودن و مدنی بودن در فهم آیه تأثیر دارد. اگر گفتیم که این آیه در مکه نازل شده باید ظاهر آیه را تأویل بکنیم که در این رابطه مرحوم علامه در تفسیر المیزان و مرحوم طبرسی وجوهی را گفته اند که یکی از آن وجوه این است که مراد از زکات پرداخت صدقات بوده نه زکات اصطلاحی.

سؤال: آیا مراد از ظاهر این است که مثلاً لفظ زکات را حمل بر معنای لغوی آن کنیم؟

استاد: مراد از ظاهر این نیست که لفظ را حمل بر معنای لغوی آن کنیم بلکه مراد از ظاهر این است که الفاظی مثل زکات را حمل بر معنای متعارف آن کنیم و اگر خواستیم آن را حمل بر معنای غیر متعارف خودش نمائیم نیاز به قرینه داریم.

بحث جلسه آینده: ادامه بحث مکی و مدنی بودن آیات قرآن و تأثیر آن در فهم قرآن خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. فصلت، آیه ۷.